



صحیح و عمم (۲۳)

۹۲ / ۱ / ۲۸

جلسه ۹۰

صحیح و اعم

چهارشنبه

سال سوم

پیشخوان

اشکال حضرت امام بر محقق اصفهانی

جمع بندی فرمایش مرحوم اصفهانی

تفاوت کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی

مبنای سوم : مبنای مرحوم عراقی

مبنای چهارم : مبنای مرحوم بروجردی و مرحوم حائری

مبنای پنجم : مبنای شهید صدر

ابهام در ذات راه ندارد

توضیح: یعنی ماهیات مبهم نمی باشند و مفاهیم هم مبهم نیستند
و اگر به مفاهیم و ماهیات، **مبهم** می گوئیم از این جهت است که مصادیق آنها معلوم نیستند

تنها در فرد مردد ابهام در ذات راه دارد

ما می گوئیم: در اینجا هم آن فردی که در خارج است، **ذاتش معین** است
و اگر برای ما مردد است بین انسان یا فرس، **تردید در انطباق** است و نه در مفهوم.
حتی مفهوم «**احدهما**» هم مفهومی معین و غیر مبهم است و آنچه نامعلوم است، مصداق خارجی است

پس باید صلوة برای معنایی روشن وضع شده باشد که گاه چهار رکعتی می شود و گاه دو رکعتی؛ حال آن جامع چیست؟

جمع بندی فرمایش مرحوم اصفهانی

از دیدگاه ایشان موضوع له صلوه، مفهومی است که :

می دانیم هست و نمی دانیم چیست اما لوازمی که دارد، آن را معرفی کرده و می شناساند.

و لذاست که اشکال بر مرحوم اصفهانی وارد شود که عرف از لفظ صلوة، معنا و مفهومی را درک می کند در حالیکه با این تقریر باید بگوییم اصلاً معنای لفظ صلوة معلوم نیست

تفاوت کلام مرحوم آخوند با محقق اصفهانی

تفاوت اول

جامع صحیحی از دیدگاه مرحوم آخوند ← امری بسیط است
جامع صحیحی از دیدگاه محقق اصفهانی ← مرکب از عده امور است

اللهم الا ان يقال: مراد اصفهانی آن است که مصادیق آن جامع، مرکب از عده امور هستند و الا خودش امری بسیط است

تفاوت دوم

دیدگاه مرحوم آخوند ← موضوع له صلوة، مفهوم غیر قابل شناسایی است
دیدگاه مرحوم اصفهانی ← آن مفهوم فی حدّ نفسه قابل شناسایی نیست ولی با شناخت آثارش، می توان آن را فی الجملة شناخت

تفاوت سوم

دیدگاه مرحوم آخوند ← واضح، معنا و مفهوم را می شناسد و تنها برای ما این معنا مبهم است
دیدگاه مرحوم اصفهانی ← برای واضح هم این معنا و مفهوم، مبهم هستند

جمع بندی کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی

جامع امری بسیط است که فی حد نفسه قابل شناسایی نیست

ولی با شناختن آثارش می توان به وجود آن پی برد و آن را فی الجمله شناخت در حالیکه برای واضح این مفهوم، معلوم و معین بوده است

مبنای سوم: مبنای مرحوم عراقی

مرحوم عراقی هم تلاش کرده اند که جامعی را بنابر صحیح ارائه کنند.
آنچه ایشان فرموده اند بنابر مبنای ایشان در بحث وجود سعی است که در جای خود آن را رد کرده ایم.
حضرت امام نیز به شدت بر این سخن تاخته اند و آن را رد کرده اند.

مبنای چهارم : مبنای مرحوم بروجردی و حائری موسس

نکته مشترک همه نمازها [ی صحیح] علیرغم همه اختلافات :

همه آنها **توجهی خاص و خشوعی مخصوص** از ناحیه عبد نسبت به مولا را در بر دارند

این خشوع با اولین جزء نماز، آغاز می شود و تا انتهای نماز موجود است.

این خشوع همانند صورت است برای همه اجزاء و شرائط

پس نماز، نفس اقوال و اوراد - که به تدریج به وجود می آیند - نیست بلکه عبارت است از **توجه عبد به خدا**

این حقیقت (توجه به خدا = صلوة) در همه آنات نماز باقی است

مرحوم
بروجردی

اشاره به مبنای چهارم در کلام دیگر مرحوم بروجردی

همانطور که انسان وضع شده برای **روح انسانی**، صلوة هم وضع شده برای **روح صلاتی** یعنی خضوع و خشوع

این خضوع، به تمامه در **تک تک اجزاء** (آغازین و آخرین) باقی است اگر چه برخی از نمازها خضوع کمتری دارند و برخی بیشتر

مرحوم
بروجردی

اشاره به مبنای چهارم در کلام مرحوم حائری

جامع بین افراد صحیح ← امری است بسیط که در همه نمازهای صحیح موجود است

به اینکه هر یک از عبادات صحیحه اگر به فاعل خاصی اضافه داده شد، دارای آن جامع است.
رابطه این جامع با تک تک نمازها، رابطه کلی و فرد است

اشتراک نماز ایستاده آدم سالم با نماز با ایماء و اشاره آدم مریض :
اشتراک در جامع که همان اظهار عظمت خالق در حد امکان است

مرحوم حائری

شباهت: طبق هر دو مبناء جامع امری بسیط است

تفاوت و شباهت مبنای مرحوم بروجردی و مرحوم حائری

تفاوت: مرحوم بروجردی، جامع را **خضوع** می دانستند در حالیکه مرحوم حائری جامع را **تعظیم** می دانند

اولا: در **سائر عبادات** هم خضوع هست در حالیکه آنها نماز نیستند

ثانیاً: وجود نوعی خاصی از خضوع در **نمازهای فاسد** به همراه جهل مرکب نمازگزار

ثالثاً: به حکم تبادل ما به **افعالی که خاضعانه** انجام می شود می گوئیم صلوة و نه به **خضوع موجود** در آنها

اشکالات اصلی

ما
میگوئیم
(۱)

إن قلت: اشکال سوم متوجه مبنای مرحوم اصفهانی و مرحوم آخوند هم می شود

قلت : خیر

طبق مبنای اصفهانی - آخوند : همین رکعات **مصدق ذاتی** صلوة بودند
طبق مبنای بروجردی - حائری : خضوع با رکعات ذاتاً متفاوت هستند و خضوع **عارض** بر رکعات است
و لذا خود این بزرگواران، نام آن را، **جامع عرضی** گذاشته اند

إن قلت: مرحوم حائری به صراحت می نویسند : رابطه خضوع با نمازهای خارجی **رابطه کلی و فرد** است.
پس در آنجا هم می توان گفت اگر عرفاً به نمازهای خارجی می گوئیم، صلوة به سبب آن است که مصداق آن مفهوم کلی هستند

قلت أولاً: این که رابطه خضوع با نمازهای خارجی، رابطه کلی با فرد باشد، با جامع عرضی بودن سازگار نیست

قلت ثانياً: اگر رابطه را، رابطه کلی و فرد بگیریم، در این صورت این سخن، منافاتی با کلام آخوند - اصفهانی پیدا نمی کند.
یعنی سخن بروجردی و حائری صرفاً **رفع فی الجملة ابهام** از آن مفهومی است که آخوند و اصفهانی مبهم می دانسته اند

مرحوم شهید صدر جامع صحیحی ها را **جامع مرکب** می داند

مشکله بحث :

اگر فاتحة الكتاب را جزء صلاة بدانیم، در نماز اخرس چگونه حکم به صحت کنیم و اگر جزء ندانیم، در نماز انسان سالم چه بگوییم؟

حلّ مشکل : فاتحة الكتاب اگر چه یک وجود است ولی به انحاء متعدده معدوم می شود.

گاه انعدام **نسیانی** پیدا می کند، گاه انعدام **اضطراری** و گاه انعدام **اختیاری**

حال اگر بگوییم صلوة عبارت است از فعل مرکب (مثلاً رکوع + سجده +...) به شرطی که برخی از اجزاء آن اختیاراً معدوم نشده باشند :

در این صورت ما اجزاء را به حساب **حصص عدمی**، **مضیق** کرده ایم

در این صورت :

اگر آدم سالم غیر ناسی فاتحة الكتاب را نخواند = نماز را به جای نیاورده

اگر اخرس، فاتحة الكتاب را نخواند = می توان گفت او نماز را به جای آورد